

نقد کتاب «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»

محمد مرادی کانی باغی^۱، مجید آزاد^۲

^۱ دانش آموخته خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

انقلاب مشروطه جریان سیاسی اجتماعی تاثیرگذاری در تاریخ معاصر ایران است که به دلیل اهمیت، همواره مورد توجه مورخان، جامعه شناسان، محققان تاریخ و علوم سیاسی قرار گرفته است. کتاب مورد نقد در این مقاله از جمله آثار قلمی است که مورد توجه و مراجعه پژوهشگران و مجامع علمی است. نویسنده کتاب، با توجه به نقش جریانات مختلف اجتماعی و سیاسی داخلی، چون روحانیون، روشنفکران و نخبگان سیاسی، به نقد عملکرد آنها می پردازد. همچنین عوامل خارجی مهم را طرح کرده و تحلیل خود را از چگونگی و چرایی، وقوع نهضت مشروطه، بیان می کند و به آسیب شناسی آنها می پردازد. منابع متعدد مورد استفاده در این کتاب و روش محققانه مؤلف، در بررسی جریانات نهضت مشروطه قابل تقدیر و توجه است اما برخی تناقضات در قضاوت و کم توجهی به ریشه های برخی وقایع در این تألیف ارزشمند، قابل نقد جدی است.

واژه های کلیدی: نهضت مشروطه، روحانیت شیعه، جریان روشنفکری، شیخ فضل الله نوری، میرزای نائینی

۱. مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، رخداد‌های بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جریانات تاثیرگذاری را به وجود آوردند که بی شک، یکی از آن مقاطع مهم معاصر، برهه زمانی، وقایع نهضت مشروطه خواهی ایران است. نهضت مشروطه که گاهی از آن به "انقلاب مشروطه" تعبیر می‌شود، به دلیل عوامل داخلی و خارجی متعدد به وقوع پیوست و موجبات تحولات بزرگ و عمیق، به‌ویژه در مسائل سیاسی و اجتماعی، همچنین، اقتصادی و فرهنگی در مرحله‌های بعد گردید. نهضت مشروطه با همه فراز و فرودها در ابتدا، توسط سه جریان مهم، روحانیت، روشنفکران و رجال سیاسی در غالب عدالت‌خواهی، آغاز شد و بعد با بروز جریان‌های مخالف و موافق مشروطه در همان سه گروه اصلی، به راهش را ادامه داد. البته بعدها و در ادامه حرکت خود مبتلا به نفوذ بیگانگان و جریان‌های وابسته به آنها شد.

نتیجه قهری این انحراف و آفت، اختلاف در میان بازیگران مهم مشروطه و در نهایت شکست نهضت بود که برآیند این شکست، به ظهور دیکتاتوری سیاسی و حاکمیتی انجامید. با توجه به اهمیت و حساسیت این برهه از تاریخ معاصر ایران، محققان و اندیشمندان زیادی در قالب کتاب و مقالات علمی به مطالعه، تحقیق و پژوهش‌های بسیاری دست زدند و هرکدام از منظر و منطق فکری خود به تحلیل، چگونگی و چرایی به وقوع پیوستن و در نهایت شکست انقلاب مشروطه در آن مقطع زمانی پرداختند. از جمله کسانی که مطالعه ارزشمند و محققانه‌ای را در مورد نهضت مشروطه انجام داده است، مرحوم دکتر عبد الهادی حائری بودند که در کتاب "تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق" به ابعادی از این جریان مهم تاریخ معاصر ایران می‌پردازند. کتابی که در سال‌های اخیر به‌عنوان یک متن علمی-پژوهشی، مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ معاصر و انقلاب مشروطه بوده و بارها مورد استفاده و نقد قرار گرفته است. عبد الهادی حائری، متولد ۱۳۱۴ در شهر قم، نوه دختری آیت‌الله العظمی "شیخ عبدالکریم حائری یزدی"، مؤسس حوزه علمیه قم، فرزند آیت‌الله میرزا احمد حائری، خواهرزاده آیت‌الله "شیخ مرتضی حائری" از علما بزرگ قم و برادر، استاد "عبدالحسین حائری"، نسخه‌شناس، کتاب‌شناس، فهرست‌نگار، مجتهد، صاحب نظریه "بازنویسی تاریخ علم بر اساس بازنویسی فهرس نسخ خطی" و حائز جایزه بین‌المللی یونسکو و ۲۰ سال ریاست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، است. پس از تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۳۳۶ وارد دانشگاه تهران شد، در رشته الهیات تحصیل کرد و با اخذ لیسانس الهیات از دانشگاه تهران، کارمند اداره بهداشت مشهد گردید. سال ۱۳۴۳ با دریافت یک بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل به کانادا رفت و در رشته تاریخ و مطالعات خاورمیانه در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ درجه دکترا گردید. دکتر حائری تا سال ۱۳۵۶ در دانشگاه برکلی کالیفرنیا با عنوان استادیار، مشغول تدریس شد.

سال ۱۳۵۷ به ایران برگشت و با عنوان دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، به تدریس مشغول شد. دکتر حائری در سال ۱۳۷۰ به سرطان خون مبتلا شد و در ۲۳ تیر ۱۳۷۲ بدرود حیات گفت. عبد الهادی حائری یکی از برجستگان نسل جدید مورخان ایرانی است که با تأثیر از تحولات روش‌شناسی رایج در مغرب‌زمین، آثار ارزشمندی را خلق کرده است. صراحت در گفتار، دقت، استفاده از منابع متنوع و فراوان و استفاده از منابع علمی و کتابخانه‌ای برخی کشورهای غربی مانند آمریکا و انگلستان که کتابخانه‌های معتبری در دنیا به حساب می‌آیند از مشخصات و شاخص‌های مهم علمی - پژوهشی، دکتر حائری است. حائری، تأکید دارد در پژوهش‌های تاریخی باید جریان‌های فکری را شناخت. او در پژوهش و اندیشه‌ورزی، تحلیل عناصر و به‌کارگیری نظریه‌های جدید تاریخی را مدنظر دارد. همچنین پابندی به اسناد و استناد، از عناصر سبک تاریخ‌نگاری عبد الهادی حائری است. در کتاب "تشیع و مشروطیت" پژوهشی ارزشمند را ارائه می‌کند که باتکیه بر فراوانی منابع و تحلیل‌های متعدد و البته نه لزوماً تحلیل‌های صحیح، روش جدیدی را در تاریخ‌نگاری دهه‌های اخیر ایران طراحی کرده است. اوج این نوع پژوهش را باید در کتاب دیگر او با عنوان "نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب" مشاهده کرد. این اثر ارزشمند که در سال ۱۳۶۷ کتاب سال شد، کاملاً الگوی نظریه حائری در مطالعات تاریخی‌اش را به منصه ظهور رسانیده است. البته لازم به ذکر است انتشار این دو کتاب موجب شهرت فراوان نویسنده در داخل و خارج از ایران گردید.

از آثار دیگر حائری می‌توان به -"تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی" -"ایران و جهان اسلام" - "همگامی ایران و لیبی بر ضد امپریالیسم" آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه گران" اشاره کرد. آخرین اثر او که در دوران بیماری نوشته شد کتاب "آنچه گذشت، نقشی از نیم قرن تکاپو" که در واقع زندگی‌نامه خودنوشت اوست، است.

۲. درباره کتاب

کتاب "شیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق" رساله دکتری نویسنده بود که به زبان انگلیسی تألیف شد، در سال ۱۳۵۲ از آن دفاع کرد و در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسید.

در سال ۱۳۵۸، خود نویسنده آن را به فارسی ترجمه کرد و از منابع مورد مراجعه تاریخ مشروطه به حساب می‌آید. در این کتاب ۵۶۰ مأخذ، ذکر شده است که ۳۰۹ مأخذ به دو زبان فارسی و عربی و ۲۵۱ مأخذ به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و ترکی، است. از نقاط قوت این کتاب، همین تنوع و کثرت منابع و مأخذ است. غور فراوان نویسنده در این منابع جزء ارزش‌های این تألیف به حساب می‌آید.

این کتاب در شش فصل تنظیم شده است که عناوین آنها عبارت‌اند از:

۱. ریشه‌های فکری مشروطیت

۲. موضع رهبران مذهبی شیعه در برابر دستگاه سیاست

۳. زندگی‌نامه نائینی؛ نقش رهبران مذهبی در سیاست

۴. ریشه‌های فکری نوشته‌های سیاسی نائینی

۵. انواع حکومت‌ها؛ استبدادی و مشروطه

۶. کارکرد نظام مشروطه.

نویسنده می‌گوید: هدف از تألیف این کتاب، بررسی اقدامات عملی و فکری رهبران مذهبی در نهضت مشروطه بوده است، به همین علت به نوشته نائینی (تنبيه الامه و تنزيه الملة) توجه ویژه نموده و آن را مورد نقد قرار داده است، چون نوشته او را منظم‌تر و محکم‌تر از دیگر رجال مذهبی می‌داند. نویسنده در متن کتاب به معرفی برخی روشنفکران که به‌زعم او نقش مهم و مؤثر در جریان مشروطه داشتند می‌پردازد و دیدگاه‌های آنان را شرح می‌دهد.

او معتقد است با روشن شدن تفکر آنها نقد بقیه تأثیر گذاران در نهضت مشروطه، خصوصاً علما، دقیق‌تر خواهد بود.

افرادی مثل "سید جمال‌الدین اسدآبادی" آخوندزاده "حسین‌خان سپهسالار" میرزا ملکم‌خان "مستشارالدوله" و طالبوف". او در فصل سوم کتاب خود، پس از اشاره به باور علمای شیعه در مورد حکومت در دوران غیبت، به جریان‌های مختلف دینی و سیاسی که به نظر او تضعیف‌کننده قدرت علما بودند، پرداخته است. جریان‌هایی مثل "اهل حق"، "اخباری‌ها"، جنبش فلسفی ملاصدرا"، "شیخیه"، شورش آقاخان محلاتی و رهبری او از فرقه اسماعیلیه، "بابی‌ها" و شورش سید عالمگیر. همچنین جریان‌های نواندیش مانند، جریان "هادی نجم‌آبادی"، سید محمد طباطبایی"، و سید جمال‌الدین اسدآبادی"

نویسنده، به دلیل اهمیتی که برای کتاب میرزای نائینی قائل است و اندیشه او را در مشروطه، بسیار تأثیرگذار می‌داند، توجه ویژه‌ای به کتاب و زندگی سیاسی او دارد. حائری

برای زندگی سیاسی میرزای نائینی، سه مرحله تصور می‌کند.

۱. مرحله حمایت از مشروطه با قلم و قدم.

۲. مرحله نهضت ملی عراق و استقلال از انگلستان.

۳. مرحله همکاری با قدرت سیاسی به دلیل یافتن موقعیت و اثربخشی بیشتر.

البته در کنار بررسی اندیشه و عملکرد نائینی، به اندیشه و عملکرد برخی از علمای دیگر نیز پرداخته و آنان را مورد نقد قرار داده است. افرادی چون "آقا نجفی اصفهانی" آخوند خراسانی" سید محمد کاظمی یزدی" شریعت اصفهانی" سید ابوالحسن

اصفهانی "محمد مهدی خالصی" و حائری یزدی "از نکات مهم و مورد نقد تفکر نویسندگان، این موضوع است که او، ریشه‌های فکری "نایینی" در کتابش را به اندیشه مغرب‌زمین و "منتسکیو" نسبت می‌دهد.

حائری معتقد است، نایینی، کتابش را تحت‌تأثیر کتاب "طبایع الاستبداد" کواکبی نوشته است و کواکبی خود تحت‌تأثیر کتاب "استبداد"، "الفری"، نویسنده ایتالیایی بوده است و نویسنده ایتالیایی، تأثیرپذیری بسیار از منتسکیو، در کتابش داشته است و در نهایت نتیجه گرفته کتاب "تنبیه الامه و تنزیه المله" نایینی، با چند واسطه برگرفته از اندیشه‌های "منتسکیو" است.

۳. نقد کتاب

در این مقاله بر آنیم که بیشتر به نقد محتوایی کتاب بپردازیم و از برخی نقدهای شکلی و ظاهری، صرف‌نظر می‌کنیم، چون گمانمان این است که در بخش ظاهری، نقدهای جدی و مهمی، وارد نباشد، و اگر هم باشد، به اهمیت نقدهایی محتوایی و علمی کتاب نیست. فلذا به لحاظ مطالب متن و محتوای آن، در پنج موضوع، وارد نقد کتاب می‌شویم.

الف) عدم اعتبار برخی منابع.

اگرچه این کتاب از حیث معرفی منابع، کار ارزشمندی انجام داده است و در بسیاری از موارد مهم، به پژوهشگران تاریخ معاصر ایران منابع خوبی را معرفی نموده است، اما در بسیاری از موارد که مهم نیز است، از منابع و مآخذی استفاده کرده است که اعتبار لازم را در موضوعات تخصصی مورد بحث ندارند. ما در این بخش از نقد محتوایی کتاب، در چند بخش، به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. استفاده از منابع خارجی غیرمتخصص در امور تخصصی معارف اسلام و تاریخ اسلام.

مباحثی چون :

__ امر به معروف و نهی از منکر.^۱

__ امامت از دیدگاه تشیع.^۲

__ خوارج و حکمیت.^۳

__ وقایع جنگ بدر و حنین.^۴

۲. استفاده از متونی در گزارش‌ها که دسته اول نبودند.

باتوجه به برخی گزارش‌ها و مطالبی که مؤلف به آنها استناد کرده است، مناسب بود که آن گزارش‌ها از منابع دسته اول و مأخذهای مورد وثوق، استفاده شوند.

__ مثل، "تکفیر شیخ احمد احسائی توسط برخی از علما به دلیل حسادت" به نقل از کتاب حامد الگار.^۵

__ "ارتباط شیخ هادی نجم‌آبادی با جامعه آدمیت".^۶

۱. تشیع و مشروطیت، عبد الهادی حائری، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۲۷۹.

۴. همان، ص ۱۹۳.

۵. تشیع و مشروطیت، حائری، ص ۸۸.

"- تشدید دشمنی علما با مظفرالدین شاه به اندازه‌ای که فاضل شریانی او را سگ نامید" و نقل از خانم نیکی کدی.^۷

درحالی‌که نویسندگان، نقدهای مهمی را متوجه خانم کدی کرده است، و در باره او می‌گوید: کدی، از فلسفه اسلام آشنایی سطحی دارد، از تاریخ سرزمین‌های اسلامی اطلاع کافی ندارد، اطلاع او از تصوف بسیار کم است و رابطه شیخ و مریدان را نمی‌فهمد.^۸

بااین‌حال با کمال تعجب مشاهده می‌کنیم در موارد متعدد مطالب خود را به کتاب‌های خانم نیکی کدی ارجاع می‌دهد. _ غارت املاک سپهدار تنکابنی توسط دهقانان، به دنبال وضع قوانینی از سوی مجلس به نفع آنها... به نقل از "رابینو" که معلوم نیست رابینو این نقل را از کجا به دست آورده است درحالی‌که خود از نزدیک شاهد ماجرا نبوده.^۹ ۳. استناد به منابعی که نویسندگان آنها، با غرض‌ورزی، سخن گفته‌اند و خصوصیت آنها با افراد در منابع ثابت شده است. برای مثال:

_ "نسبت قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی به آیت‌الله بهبهانی" یا "تأثیرگذاری مردم بر رهبران مشروطه"، به نقل از سید حسن تقی‌زاده که در مرام سیاسی و عقیدتی، مخالف شدید بهبهانی و بقیه روحانیت و علمای دین بود.^{۱۰} حتی تقی‌زاده، متهم بود به ترور بهبهانی.^{۱۱}

_ جاه‌طلبی پیش‌نمازان تبریز، به نقل از احمد کسروی که به مخالفت شدید با علما مشهور است.^{۱۲}

ب) تشابه سازی نهضت مشروطه با قیام‌های مارکسیستی و انقلاب فرانسه

در اینجا این توضیح لازم است که در انقلاب فرانسه نزاع میان دوطبقه متوسط و اعیان بود، اما در ایران نزاع طبقاتی وجود نداشت، بلکه برخلاف درگیری‌های بورژوازی مآب‌اند انقلاب فرانسه، اختلاف بر سر تسلط و عدم تسلط اقتصادی، سیاسی بیگانه در ایران بود و استثمارگران را به شدت نگران می‌کرد.^{۱۳} در انقلاب مشروطه بر خلاف برخی نظرات، تضاد طبقاتی و اجتماعی، عامل انقلاب مشروطه نبود، بلکه همه اقشار و طبقات مختلف، به دنبال قانون و حاکمیت آن، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بودند.^{۱۴}

۶. همان، ص ۹۱.

۷. همان، ص ۱۰۳.

۸. همان، ص ۱۰۰.

۹. همان، ص ۱۲۰.

۱۰. همان، ص ۱۳۴، ۱۲۸.

۱۱. تاریخ انقلاب مشروطه ایران، مهدی ملک زاده، ص ۱۳۳۵-۱۳۳۷.

۱۲. همان، ص ۱۳۵.

۱۳. تشیع و مشروطیت، حائری. ص ۱۳۰ / وقایع اتفاقیه، به اهتمام سعیدی سیر جانی.

۱۴. اندیشه سیاسی اقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۴۴، ۴۳، ۹۴، ۹۹.

ج) تحلیل‌های اشتباه از عوامل به‌وجودآمدن مشروطه و برخی وقایع

نویسنده تأسیس شرکت اسلامی، با همکاری بازرگانان اصفهانی را، دلیل بر ماهیت سرمایه‌داری نهضت مشروطه می‌گیرد! و روحانی متنفذ اصفهان، آقا نورالله نجفی اصفهانی، را یک فئودال، معرفی می‌کند، درحالی‌که شواهد و اسناد زیادی وجود دارد که نویسنده هم در متن کتاب به آن اشاره کرده است، انگیزه تأسیس شرکت اسلامی، جلوگیری از تسلط بیگانه و کفار، بر اقتصاد مسلمین بوده است.^{۱۵}

یا در جای دیگر نویسنده، عوامل خارجی نهضت مشروطه را این‌گونه معرفی می‌کند.

۱. شکست روسیه از ژاپن

۲. مقاومت شجاعانه بوئرها در آفریقای جنوبی بر ضد انگلیس، و... درحالی‌که ایشان معلوم نمی‌کند چطور قیام گروهی کوچک و ناشناخته در آفریقا، سبب تحول در ایران گردیده است.

یا در جایی دیگر، وقتی عوامل داخلی نهضت مشروطه را این‌گونه معرفی می‌کند.

۱- انجمن‌های سری؛ ۲- مدارس میسیونرهای مذهبی؛ ۳- لغو امتیاز تنباکو؛ ۴- قتل ناصرالدین‌شاه؛ ۵- گسترش نشریات؛ ۶- گسترش نارضایتی از حکومت در میان مردم و علما؛ ۷- به خطر افتادن منافع تجار.^{۱۷}

دو مسئله مهم "فقر، بی‌عدالتی، ظلم حاکمان و" دخالت‌های بیگانگان در امور داخلی کشور" که از دلایل مهم به‌وجودآمدن، بسیاری از اتفاقات بوده است، از قلم نویسنده می‌افتد.

نویسنده، با تحلیل، استفاده نائینی از کتاب کواکبی و در نهایت وصل آن به منتسکیو، اصرار دارد و تحلیل می‌کند، نهضت مشروطه، ریشه در اندیشه‌های غرب داشته و اصیل نیست، درحالی‌که طبق اسناد غیرقابل‌انکار تاریخی، اولین جرقه‌های تولد مشروطه از تحصن‌های مردم و علما، برای درخواست عدالت‌خانه، به وجود آمد.

د) قضاوت‌های اشتباه و گاهی دوگانه نسبت به علما حاضر در نهضت مشروطه.

برای مثال به چند مورد اشاره می‌کنیم.

در جایی نویسنده اذعان می‌کند، انگیزه علما، حفظ موقعیت مذهبی به وجود آمده از سر وظیفه شرعی بوده است.^{۱۸}

و در جای دیگر حسادت نسبت به یکدیگر را تأثیرگذار در مخالفت‌ها و موافقت‌های مشروطه می‌داند.^{۱۹}

از سویی علمای نجف را دارای انگیزه پاک می‌داند و از سویی دیگر برخی علما بزرگ نجف را تنقیص می‌کند و مورد تاخت‌وتاز جدی قرار می‌دهد.

از یک‌طرف شیخ فضل‌الله را مکرر استبدادگر می‌نامد و از طرفی اعتراف می‌کند او به دنبال "مشروطه مشروعه" بود و علت مخالفت او، این مسئله بوده است.^{۲۰}

۱۵. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۴۰/ برگی از تاریخ معاصر، آقا نجفی قوچانی، ص ۱۱۹.

۱۶. همان، ص ۵۴.

۱۷. همان، ص ۵۵.

۱۸. همان، ۱۲۵، ۱۲۲، ۲۴۸.

۱۹. همان، ۸۸.

۲۰. همان، ص ۲۱۵، ۱۶۰.

— مؤلف در جایی از کتاب خود ادعا می‌کند مرحوم سید کاظم یزدی از مراجع به نام نجف تمایل چندانی به حضور در مسائل سیاسی نداشته است و از مسائل سیاسی کناره می‌گرفته.^{۲۱}

در حالی که اسناد تاریخی شهادت می‌دهند، سید کاظم یزدی در مسائل سیاسی حضور محکم و فعالی داشته است. از جمله حکم ایشان علیه روس‌ها و ایتالیایی‌ها، در زمان اشغال ایران و لیبی.^{۲۲}

فعالیت‌های او بر ضد اشغال عراق توسط انگلستان در انقلابی که به رهبری میرزا محمدتقی شیرازی به وقوع پیوست و فرستادن فرزند خود به جبهه‌های جنگ و شهادت او، همه اینها نشان‌دهنده حضور فعال، سید محمدکاظم یزدی در عرصه‌های سیاسی است. به نظر می‌رسد نویسنده، دچار تحلیل اشتباه در رابطه با عملکرد سیاسی ایشان شده‌اند.

ه) برداشت‌های سلیقه‌ای و غیردقیق از اندیشه نایینی.

۱. نویسنده در ص ۱۲۷ می‌گوید؛ نایینی معتقد است که؛ عامل مهم حرکت علما، خروش مردم و علاقه آنها به آزادی بوده است.^{۲۳}

در حالی که با مراجعه به کتاب تنبیه الامه، مشاهده می‌کنیم که او عامل حرکت علما را دو مسئله دانسته است؛

۱. تبدیل حکومت از سلطنت جائز به مشروطه

۲. آزاد کردن مردم از حاکمان ظالم.^{۲۴}

۲. در جایی دیگر، مؤلف در ادعایی، این‌گونه می‌گوید؛

"کوتاه سخن، چنین به نظر می‌رسد که نایینی بدان باور بوده است که برخی از تعالیم و عقاید بنیادین شیعه با اوضاع و شرایط دنیای نو و دوران انقلاب مشروطه متناسب نیست به همین دلیل ایرانیان مسلمان باید در برابر نوگرایی و نوسازی، گذشت و تحمل داشته باشد."^{۲۵}

حائری، با این عبارت، می‌خواهد این‌گونه القا کند که نظر نایینی کنار گذاشتن احکام و تعالیم شیعی و اسلامی است، چرا که آنها با شرایط امروز دنیا سازگاری ندارند. در حالی که او از این موضوع غفلت می‌کند که نظر نایینی و دیدگاه او بر اساس استنباط و اجتهاد او از مبانی دینی است و به هیچ‌وجه به معنای کنار گذاشتن عقاید و معارف تشیع نیست. تعبد نایینی به احکام شرعی و مذهب تشیع، آن‌قدر روشن است که به هیچ‌وجه چنین وصله‌های نواندیشی دینی به شکلی که مدنظر حائری است به او نمی‌چسبد. در اینجا لازم است به موضوعی اشاره کنیم و آن اینکه اساساً، عبد الهادی حائری به دین و مذهب نگاهی متفاوت دارد، او به عنوان یک مسلمان شیعه وقتی از مذهب تشیع یاد می‌کند تعبیر "کیش شیعه" را به کار می‌برد. در مورد امامان

۲۱. همان، ص ۳۲۸، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۶۰.

۲۲. مقاله، معرفت سیاسی در اندیشه ایت الله سید کاظم یزدی، تالیف مظفر نامدار.

۲۳. تشیع و مشروطیت، حائری، ص ۱۲۷.

۲۴. تنبیه الامه و تنزیه المله، محمد حسین نایینی، ص ۵۹.

۲۵. تشیع و مشروطیت، حائری، ص ۲۹۰.

شیعه و معصومین، از عبارات احترام‌آمیز مثل "علیه‌السلام" خودداری می‌کند و اعتقاد به علم غیب پیامبر را در اندیشه نایینی، "دوری از نوگرایی و دیرین‌گزینی و سنتی،" می‌خواند و غیرآگاهانه از منظر تاریخ می‌داند.^{۲۶} تمام این مسائل می‌تواند بر نوع نگاه او نسبت به مسائلی که مربوط به آموزه‌های دینی و مذهبی است اثرگذار باشد و نمی‌توان از آنها غفلت کرد.

ح) ارجاع به نوشته‌های خود، جهت مستند ساختن مطلب

از ایرادات مهم در این کتاب، برخی استنادات، مؤلف به مقالات یا تألیفات خود است که به لحاظ علمی ارزش چندانی ندارد. برای نمونه، حائری، با استناد به مقاله انگلیسی خود، به شخصیت آقا نورالله و آقا نجفی حمله می‌کند و آنها را فئودال و فرصت‌طلب می‌نامد و حامی سردار اسعد.^{۲۷} در حالی که استعمارستیزی و مبارزه این دو، بر همه محققان تاریخ معاصر روشن است و می‌توان آنها را در دو کتاب "حکم نافذ آقا نجفی" و "اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت آقا نورالله اصفهانی" مشاهده کرد.^{۲۸} از جمله آن مبارزات می‌توان به "حکم تحریم تنباکو" توسط آقا نجفی پیش از میرزای شیرازی اشاره کرد.^{۲۹} همچنین در امور اقتصادی پشتیبانی از تأسیس شرکت بزرگ "اسلامیه" در اصفهان برای تحریم اقتصادی غرب و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اقتصاد کشور از اقدامات مهم و ارزشمند اوست.^{۳۰} حضور آقا نجفی در مهاجرت علما عدالت‌خواه به قم و حرکت ایشان از اصفهان به قم با اهمیت است و روحیه عدالت‌خواهی و استکبارستیزی او را نشان می‌دهد.^{۳۱} آقا نورالله اصفهانی از طرف مراجع نجف پس از فتح تهران به عنوان مجتهد طراز اول به مجلس معرفی شد.^{۳۲} آقا می‌توان به راحتی چنین کسی را، عنوان فرصت‌طلب داد؟ یکی از گزارش‌ها بسیار مهم در استبداد ستیزی آقانور الله، مبارزات او در دوران حکومت جائری چون ظل السلطان، با ظلم و فساد او در اصفهان است.^{۳۳} رساله "مکالمات مقیم و مسافر" در دفاع از مشروطه در دوران استبداد صغیر، خود دلیلی بر استبداد ستیزی آقا الله اصفهانی است.^{۳۴} و در نهایت سوگواری مردم اصفهان در وفات آقا نورالله اصفهانی با گزارش‌های حائری، دال بر فرصت‌طلبی و احتکار گری او همخوانی ندارد.

۲۶. تشیع و مشروطیت، حائری، ص ۲۴۲، ۲۹۰، ۱۳۷.

۲۷. همان، ص ۱۱۹.

۲۸. حکم نافذ آقا نجفی، موسی نجفی، ص ۱۳۰ _ ۱۶۰/اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت آقا نور الله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۲۰۲.

۲۹. حکم نافذ آقا نجفی، موسی نجفی، ص ۴۷.

۳۰. همان، ص ۸۲ _ ۹۰.

۳۱. همان، ص ۱۹۱ _ ۲۱۰.

۳۲. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۲۰۲.

۳۳. همان، ص ۲۰۴.

۳۴. همان، ۳۵۳ _ ۳۹۰.

نتیجه‌گیری

کتاب "تشیع و مشروطیت" با منابع متعدد استفاده شده در آن، همچنین استنادات و تحلیل‌های متعدد و البته، نه لزوماً استنادها و تحلیل‌های صحیح، پژوهشگران و اندیشه‌ورزان تاریخ معاصر را در مقابل تألیفی قابل‌توجه و پژوهشی ارزشمند قرار داده است. هرچند برخی از تحلیل‌ها و استنادات نویسنده را نمی‌توان پذیرفت اما باید تحلیل‌ها و مطالب او را از دیدگاه اندیشه و روش‌شناسی غربی مورد توجه و نقد قرارداد. حائری از منظر روش‌شناسی غربی و تفکر سکولار که خود نیز قایل است، به تحلیل وقایعی در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد که آن وقایع علاوه بر عوامل سیاسی و اجتماعی، عوامل قدرتمند دینی و مذهبی را به همراه دارد که این موضوع یکی از همان نکات مهم اثرگذار بر جریان مشروطه است و نویسنده با توجه به نگاه سکولار، نمی‌تواند تحلیل درستی را ارائه کند. نویسنده ملاحظات دینی و مذهبی را از نگاه اندیشه‌ورزی و روش‌شناسی غربی و یک تفکر سکولار مورد بررسی قرار می‌دهد، به همین علت در مواقعی با برخی تناقضات در گفتار و نتیجه‌گیری او مواجه می‌شویم. با این حال، این اثر حائز ارزشمندی‌هایی بسیار است که با همه نقدها، رویکردی جدید و روشمند را پیشروی پژوهشگر قرار می‌دهد. در پایان لازم به ذکر است، با توجه به تعلق حائری به خاندان و خانواده‌ای روحانی و سرشناس، شاهد مخالفتی عمیق، ریشه‌ای و محسوس با روحانیت و عالمان شیعه حتی کسانی که آنها را موافق مشروطه و مخالف استبداد می‌داند، در قلم و اندیشه او به چشم می‌خورد!! شاید بتوان ناملايمات دوران کودکی و نوجوانی، مخالفت‌های پدر روحانی‌اش با تحصیل او در مدارس جدید، ترک تحصیل اجباری و وادار کردنش به کارگری در یک پارچه بافی که حائری تحت تأثیر وبا کمک دوستانش در سن چهارده سالگی شروع به درس خواندن می‌کند و با سختی‌های بسیار، موفق به کسب مدارج علمی می‌شود، را از عوامل مهم روحیه عدم ارادت او به روحانیت دانست.^{۳۵}

پیشینه نقد:

در رابطه با نقد کتاب، تشیع و مشروطیت و نقش علمامقیم عراق، بر اساس یافته‌های ما، سه مقاله بدست آمد و بعید است بیشتر از این کاری در نقد این تالیف ارزشمند انجام شده باشد.

۱. مقاله نقد و بررسی کتاب تشیع و مشروطیت، تالیف محمد حسن رجبی که توسط نشریه دانشگاه انقلاب در تیرماه ۱۳۶۰ منتشر شد و اولین نقد بر این کتاب در یک سال پس از نشر آن محسوب می‌شود. دفاع از شیخ فضل الله و رد برخی نسبتها به نایینی و برخی دیگر علما، مهمترین رویکرد این مقاله بدون بررسیهای سندی و استنادی، همچنین نوع نگرش نویسنده در روش تاریخ نگاری و نگاه به مشروطه می باشد، که وجه تمایز آن با مقاله ما است.

۲. مقاله نقد، کتاب تشیع و مشروطیت، تالیف علیرضا جواد زاده، که در فصلنامه تاریخ پژوهان شماره ۷ در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. مولف، به گزارشی از کتاب و اهداف و چهار چوبهای آن می پردازد، سپس به دیدگاههای حائری در رابطه با مشروطه، مؤلفه های آن و نقش فقها میپردازد. و در پایان نقدهای استنادی و محتوایی را مطرح میکند. نقش فقها و نقدهای محتوایی نقاط مشترک این مقاله با مقاله پیش رو است.

۳. مقاله، ذهنیات حاکم بر کتاب تشیع و مشروطیت، تالیف ذبیح الله نعیمیان در مجله آموزه به سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. ناقد بیشتر به نقد رویکرد حائری در باره روحانیت، روش تحقیق و استنادات، پرداخته است، که در مقاله پیش رو بخشی از نقد های مورد توجه ما هم بوده است. او به نگاه ضد روحانیت و برخی تناقضات موجود در کتاب به شدت میتازد و عدم رعایت اصول عقلی و عقلایی (به قول خودش) در نقل ها و برخی استنادات را به باد انتقاد میگیرد. ما در مقاله پیش رو نقد بر برخی استنادات، نقلهای غیر معتبر و مخالفت با روحانیت، به همراه برخی مطالب دیگر، مورد توجه قرار داده ایم، اما معتقد نیستیم به خصومت شدید ادعایی با روحانیت از طرف حائری، هر چند زاویه حائری با این قشر قابل انکار نیست و ما و به ان و دلایل احتمالی پیش پرداخته ایم.

۳۵. آنچه گذشت، عبد الهادی حائری.

منابع

۱. الگار، حامد (۱۳۶۵) نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات قدس.
۲. حائری، عبد الهادی (۱۳۷۲)، آنچه گذشت، نقشی از نیم قرن تکاپو، چاپ اول، تهران: نشر معین.
۳. حائری، عبد الهادی (۱۳۸۱)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، چ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر،
۴. قوچانی، آقا نجفی، (۱۳۷۸) برگی از تاریخ معاصر، چاپ اول تهران، انتشارات هفت.
۵. ملک زاد، مهدی، (۱۳۷۳) تاریخ انقلاب مشروطه ایران، ج ۳، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی.
۶. نامدار، مظفر، (۱۳۷۷) اسوه فقاہت و سیاست، چاپ شده در تعاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی جلد ۵، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷. نایینی، محمدحسین، (۱۳۷۸) تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۸. نجفی، موسی، (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت آقا نورالله اصفهانی، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۹. نجفی موسی، جوادزاده علیرضا، (۱۳۹۶) حکم نافذ آقا نجفی، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۱۰. سعیدی سیرجانی، علی اکبر، (۱۳۷۶) وقایع اتفاقیه، چاپ سوم، تهران، نشر پیکان.